



نکته ۸:

در صورتی که مجسمه سازی و تصویرگری حرام است، اگر «غیر مکلف» اقدام به مجسمه سازی و تصویرگری کرد، آیا بر مکلفین واجب است که مانع او شوند؟
در این باره برخی از بزرگان نوشته‌اند:

«لا یخفی أنّ الأفعال المحرّمة علی قسمین: قسم منها یعلم من مذاق الشارع و من ناحية العقل اهتمام الشارع بها و أنّه لا یرضی بوجودها أصلاً بأیّ نحو کان و یكون وجودها مبغوضاً من أیّ فاعل صدر حتّى من ناحية البهائم، کقتل النفوس و هتک أعراض المسلمین و تقویة الکفار و المشرکین و تسلیطهم علی بلاد المسلمین. و قسم منها یعلم بحرمة صدورها ممّن جمع شرائط التکلیف من البلوغ و العقل و القدرة و لم یحرز الاهتمام بها بحدّ یوجد مناط الحرمة حتّى إذا صدرت من ناحية غیر المکلفین.

ففی القسم الأوّل یجب دفع تحقیقها بأیّ نحو کان، بل یجب الاحتیاط أیضاً فی موارد الشک فیها تحفظاً من وقوعها عن جهل.

و أمّا القسم الثانی فلا دلیل علی وجوب المنع و الردع عنها بالنسبة إلی من لم یجتمع فیها شرائط التکلیف. و یجرى فی موارد الشک فیها أیضاً البراءة بالنسبة إلی المکلفین. نعم یجب فیها إرشاد الجاهل بالحکم و نهی من یرتکبها عصیاناً. هذا.

و لم یثبت کون حرمة التصوير - علی القول بها - من قبیل القسم الأوّل فلا یجب ردع غیر المکلف عنه، بل یمکن القول بجواز تمکینه منه و تحصیل المقدمات له إلاً أن یوجب استناد الفعل عرفاً إلی الممکن له.

نعم الظاهر عدم جواز تمکین المکلف الغافل أو الجاهل بالموضوع و إن لم یتنجز التکلیف بالنسبة إلیه، لثبوت الحرمة فی حقه فیکون تمکینه منه تمکیناً من ایجاد ما هو محرّم فی حقه واقعاً، فتدبر.»^۱

توضیح:

۱. گاهی از ناحیه عقل یا از مذاق شارع استفاده می‌کنیم که وجود یک حرام را نمی‌خواهد به هیچ وجه پدید آید (حتی نمی‌خواهد بهائم هم آن را موجود کنند) مثل قتل نفس، تقویت کفار و...
۲. ولی گاهی یک شیء تنها در صورتی که «مکلف عاقل و بالغ قادر» آن را انجام دهد، حرام شده است.
۳. قسم اول را باید به هر نوع جلوگیری کرد و حتی باید در موارد شک احتیاط کرد ولی در قسم دوم چنین نیست (و تنها ارشاد جاهل لازم است)

۱. دراسات فی مکاسب المحرّمة، ج ۲، ص ۶۲۳.



۴. و تصویرگری از قسم اول نیست.

۵. و لذا حتی می‌دانیم وسائل صورت‌گری را در اختیار غیر بالغ بگذاریم. (چراکه حکم در حق او بالفعل نیست)

مگر اینکه عرفاً به ما «صورت‌گر» صدق کند.

۶. البته در مورد جاهل (چون حکم در حق او بالفعل است و تنها منجز نیست) جایز نیست که او را قادر به انجام

این کار کنیم.

ما می‌گوئیم:

۱. این مطلب را مرحوم سید به این تقریر آورده است:

«الظاهر عدم وجوب منع غیر المکلف إذا باشر ذلك بنفسه بل جواز تمكينه أيضا إذا لم يكن بحيث يسند الفعل إلى الممكن و ذلك لعدم الدليل على وجوب المنع أو حرمة التمكين كما في سائر المحرمات التي لم يعلم من أدلتها أو من الخارج اهتمام الشارع بها بحيث لا يريد وجودها في الخارج أصلا فإنه لا يجب منع غير المکلف منها نعم في ما كان ما لم يرد الشارع وجوده كقتل النفس و هتك عرض المؤمن و نحو ذلك يجب المنع و لو صدر من البهائم و معلوم أن المقام ليس من هذا القبيل إذ الحكمة التي ذكرها المصنف قدس سره قد عرفت عدم تماميتها مع أن مقتضاها على فرض التمامية حرمة الإبقاء و لا يلتزم به كما سيأتي و كذا لا يجب منع المکلف الجاهل و الغافل و نحوهما ممن هو معذور نعم يجب تنبيه الجاهل بالحكم من باب وجوب الإرشاد للجهاال في الأحكام الشرعية و هل يجوز تمكينهما أيضا بمعنى تهيئة المقدمات و بعثهما عليه مع فرض عدم إسناد الفعل إليه عرفا كما قلنا في غير المکلف أو لا الظاهر عدم الجواز و الفرق بينهما و بين غير المکلف مثل الصبي أن فعل غير المکلف غير مبغوض واقعا لأنه غير مکلف أصلا بخلاف فعل الجاهل و الغافل فإنه محرم في الواقع غاية الأمر كونهما معذورين فتمكينهما تمكين على إيجاد المحرم و هذا غير جائز على ما أسلفنا الكلام فيه فتدبر.»

۲. مطابق آنچه ما به عنوان موضوع حکم شرعی مطرح کردیم، به نظر می‌رسد «ساختن وسیله عبادت

غیر خدا» به حکم عقل و مذاق شارع از زمره دسته اول است.

۱. حاشیه مکاسب (للنیزدی)، ج ۱، ص ۲۰.